



یادمان زندگی و خدمات همسر امام خمینی

□ تهیه و تنظیم: ف - مصباحی

زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی در تاریخ پرفراز و نشیب بشریت نقشی بسیار اثرگذار و مهم، اما پنهان بر عهده داشته‌اند. زحمات و رنجهایی که زنان در پذیرش مسئولیتهای چند جانبه زندگی متحمل شده‌اند در قیاس با آنچه که از سهم آنان در پیشبرد مقاصد انسانی، ایجاد ساختارهای اجتماعی، پیشرفته‌ها، تحولات و تمدنها بازگو شده‌اند بسیار بیشتر بوده است.

از منظر اسلام، زن در آفرینش دارای گوهر و حقیقت انسانی والاست و جایگاه او در مدیریت خانواده، مربی فرد و جامعه، تعهدات و مسئولیتهای و تکالیف اجتماعی تأثیرگذار و نقش آفرین است. اگر چه در تاریخ ستمهای بیشماری بر زنان تحمیل شده است؛ اما احیای هویت زن و بازگرداندن کرامت و منزلت او از میراث گرانبگرد سنت نبوی (ص) و تعالیم ائمه معصومین (ع) است که نماد ارزشمند آن در شخصیهایی چون حضرت خدیجه (س)؛ صابر سخیتهای بعثت پیامبر (ص)، زهرای مرضیه (سلام الله علیها)؛ زهره درخشنده آسمان کمال، معرفت، درایت و حقیقت و زینب کبری (س)؛ حماسه آفرین کربلا تجلی می نماید.

امام خمینی (س)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با تاسی از این فرهنگ ناب، دفاع از



حقوق زنان، نقش آفرینی و تعهد آنان برای ایفای مسئولیت در عرصه‌های مختلف را یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی کرده‌اند. در اندیشه او زن مربی انسان^۱ و مظهر تحقق آمال بشر است^۲ و از دامن زن مرد به معراج می‌رسد.^۳ ایشان می‌فرمایند: اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملتها گرفته شوند، ملتها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند.^۴

اهمیت تربیت انسان در تفکرات ایشان جایگاه ویژه‌ای دارد و خانواده به عنوان محملی برای این تربیت، مهد پرورش فکر و اندیشه، مبدا بروز و ظهور عواطف انسانی و رکن جامعه است و در این کانون، مادر اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند بنابراین می‌فرمایند: زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد. از برکاتشان یک جامعه بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزشهای انسانی کشیده شوند.^۵

بانو خدیجه ثقفی، همسر ایشان الگوی موفق پاسداشت این ارزشهاست. او که بانویی فاضل از خانواده‌ای اصیل، معتبر و فرهیخته بودند با محدودیتهای ناشی از وابستگی به خانواده روحانی و فضای ناهنجار اجتماعی به فراگیری علم و دانش در حوزه‌های مختلف علوم مانند ادبیات، زبان و علوم اسلامی پرداختند. خصوصیات اخلاقی، رفتار، منش و کنش ایشان در تمام دوران زندگی پربرکشان دستخوش هیچگونه تغییراتی نشد. حفظ اصالت‌های اخلاقی و دینی در شرایط سخت و دشوار دوران پهلوی، پذیرش زندگی ساده و دور از ریا بعد از ازدواج در عین زندگی مرفه قبل از ازدواج، تواضع و خلوص از ایام سخت غربت تا دوران مطرح شدن به یک شخصیت جهانی، بردباری، صبر و استقامت با روحیه سرزندگی و شادابی در تحمل مصائب و شدائد ناشی از حوادث سهمگین دوران مبارزه و انقلاب، تربیت فرزندان فرهیخته و شکیبایی در فقدان عزیزانش، تدبیر امور بیت امام و پرهیز از هرگونه تفاخر و اجتناب از سهم‌خواهی برای خدمات و زحمات زندگی با رهبر کبیر انقلاب نمونه‌هایی از ویژگیهای این بانوی با فضیلت و اخلاق است.

خانم خدیجه ثقفی ملقب به «قدس ایران» از جمله زنانی است که با عمل و رفتار و کردار خویش از جایگاه و موقعیت زن مسلمان و متعهد دفاع کرده و زندگی این بانوی بزرگ اسوه‌ای برای سایر زنان جامعه است.

هیئت تحریریه فصلنامه حضور، پس از واقعه ارتحال این بانوی صبور و فداکار که در آستانه سال ۱۳۸۸ هجری شمسی مردم ایران را به سوگ نشاند با تنظیم و انتشار ویژه‌نامه‌ای تحت عنوان «قدس ایران؛ حقایقی از حریم بیت انقلاب» در گرامیداشت یاد و نام این مادر نمونه انقلاب اسلامی و بیان بخشی از خدمات و فضایل خانم خدیجه ثقفی، ادای دین نمود. مطالب ویژه‌نامه در قالب کتابی با عنوان «قدس ایران، بانوی بزرگ انقلاب» در ۴۱۰ صفحه مصور توسط چاپ و نشر عروج منتشر شد. این کتاب در پنج بخش به شرح ذیل تنظیم شده است:

بخش اول: زندگینامه، شجره‌نامه، شامل دو مقاله تحلیلی در مورد زندگینامه و نمودار شجره‌نامه ایشان.

بخش دوم: خاطرات، که در پنج فصل تنظیم شده است: فصل اول؛ خاطرات قدس ایران از نگاه یاران امام. فصل دوم؛ مادر از نگاه خانواده. فصل سوم؛ خانم از نگاه محارم. فصل چهارم؛ خانم از نگاه دوستان. فصل پنجم؛ فرزندان در آئینه مادر.

بخش سوم: اسناد و نامه‌ها، شامل اسناد ساواک درباره همسر امام خمینی (س)، نامه‌های منتشر نشده خانم به حاج سید احمد آقا، نامه‌های امام به خانم و وصیت امام به فرزندان در رعایت حقوق مادر.

بخش چهارم: خاندان، شامل شرح حال پدر و جد پدری به همراه کتابشناسی توصیفی آثار خاندان وی.

بخش پنجم: رحلت بانوی انقلاب، شامل گزارش مراسم و پیامهای تسلیت مقام معظم رهبری، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی، روسای قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص مصلحت، مراجع تقلید و نمایندگان ولایت فقیه، ائمه جمعه، مسئولان لشکری و کشوری، احزاب و رجال سیاسی داخل و خارج کشور.

از آنجا که این مجموعه در بردارنده ناگفته‌های فراوان و آموزنده از زوایای زندگی پرفراز و نشیب همسر مکرمه امام خمینی است، گزیده‌هایی از مطالب آن منعکس می‌شود.



قدس ایران رفت؛ نگاهی به زندگینامه همسر
مکرمه حضرت امام خمینی (س)

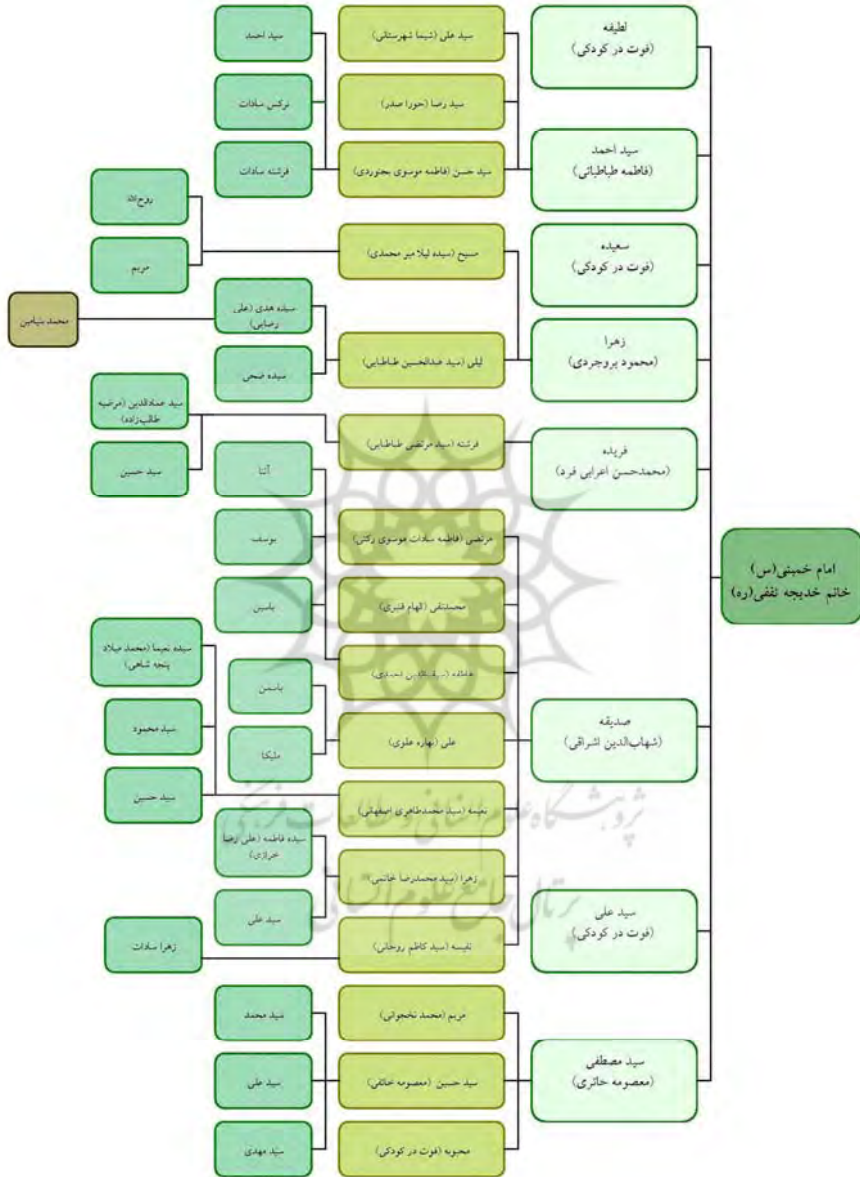
و این گونه «قدس ایران» بر دستان ملت
ایران، سبکبار و سبکبال ره سپرد و پرواز کرد. «یار
آفتاب» به ندای حق لبیک گفت و در اشتیاق
دیدار دوباره «یار» دیرینش پر گشود و به آسمان
سفر کرد. او که روزگارانی را در جوار بزرگ مرد
تاریخ میهنش صبورانه و جسورانه زیسته بود، رفیق
نیمه‌راه نشد و همراهش را تنها نگذاشت؛ در جوار
ضریح او آرام گرفت تا بار دیگر بر عهدی که
روزگارانی پیش با امام و مقتدایش بسته بود پای
فشارد و مهری از سر تایید بزند.



در سوگ مام میهن، «قدس ایران» خانم خدیجه ثقفی نوری؛ به قلم دکتر منوچهر اکبری «استاد
دانشگاه تهران»

اگرچه اسناد و شواهد و خاطراتی که از جریان ازدواج امام نقل کرده‌اند، همسر بزرگوار امام
به تقاضای اولیه امام برای ازدواج جواب مثبت نداده است و در سر هوای زیست در قم را نداشته
اما خواست خدا و اصرار امام همه موانع را از سر راه برداشته است و با این پیوند تاریخی در واقع
سرنوشتی از تبار و خاندان والاتبار امام خمینی به ظاهر ستاره‌ای دیگر خاموش شد. معمولاً در
زندگی عالمان دینی به خصوص مراجع و روحانیون طراز اول، چندان مرسوم نیست که از
همسرشان نام و یادی به میان آید. امام راحل که در اکثر ساحت‌ها با روحانیون دیگر متفاوت بود.
از آنجا که خود بانی و بنیانگذار انقلاب و حکومت و نظام جدید شد، در واقع تمام افراد
خانواده‌اش را در این نهضت الهی باید دارای نقش دانست.

شجره نامه امام خمینی



خانم مثل یک فرمانده بودند؛ گفت و گو با آیت ا... هاشمی رفسنجانی در آستانه چهلمین روز رحلت همسر امام خمینی (س)

امام وقتی فوت کردند خبر رسید به اندرون، زود خبر رفت یکدفعه صدای گریه خانم ها از اندرون بلند شد، ما سران قوا و شخصیت های مربوطه تصمیم گرفته بودیم آن شب فوت امام را اعلام نکنیم. برای آنکه آن موقع ما هنوز جنگ داشتیم و خطرناک بود، دنیا مطلع بود از کسالت امام، ما می خواستیم مجلس خبرگان را تشکیل بدهیم وضع رهبری را مشخص بکنیم بعد اعلام بکنیم که در این فاصله شیطنت و خبر بدی پیش نیاید. لذا صدای گریه که بلند می شود طبعاً این گریه می رسید، چون مردم دور کوچه جماران جمع شده بودند، جمعیت زیاد بود و سه راهی جماران به پایین مردم بودند، آنجا صحبت شد که یک کسی برود و به خانم ها اطلاع بدهد که امشب نباید چیزی معلوم بشود، حالا حاج احمد آقا اینها خودشان حالشان مساعد نبود کمتر از من آمادگی داشتند، من رفتم.

من آنجا خانم امام را رو در رو دیدم و مخاطبم هم ایشان بود چون می دانستم ایشان نفوذ دارند و در خانم های دیگر، صبر ایشان هم بیشتر بود. من گفتم این تصمیم و این مصلحت است که خبر فوت امام بیرون نرود. برایم خیلی جالب بود. خانم مثل یک فرمانده به حضار دستور دادند که خیلی خوب آرام باشید و بگذارید ملاحظات نظام مورد توجه قرار گیرد.

نقش زن نمونه در عرصه اجتماعی؛ نگاه سید محمد خاتمی به جایگاه زن در اسلام و نقش همسر امام در انقلاب

امام با آن عظمت روحی یک همسر، همسخن و همراه خوبی پیدا کرده بودند بعد هم در جریانات اجتماعی، ظرفیت ایشان و همراه بودن با امام بارز و مشخص است. یک زمانی است موضوعی به فردی تحمیل می شود که او یا مقاومت می کند یا تحمل؛ اما وقتی واقعه ای پیش می آید، آن کسی که در کانون حادثه است نیاز دارد فردی در کنارش باشد، همراه، همفکر و همدم.

برای خانم امام، نیاز نبود که امام توضیح دهند که این مشکلات و مسایل و گرفتاری‌ها وجود دارد و باید تحمل کرد که حالا ایشان تحمل کنند یا نکنند.
برای ایشان این نیاز وجود نداشت. دیدگاه خانم با امام یکی بود و آمادگی این را داشتند که هزینه این کار را بپردازند.

سرمشقی برای تمام بانوان آزادیخواه؛ گفتاری از حضرت آیت‌الله العظمی صانعی درباره شخصیت همسر حضرت امام خمینی(س)

ما در زندگی این شخصیت جهان اسلام (حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها)) می‌بینیم که او سهم بسزایی در رابطه با اهداف بزرگ پیامبر اسلام داشته و از اول زندگی تا آخرین لحظه حیات مبارکش از هیچ‌گونه کمک و فداکاری در ابعاد مختلف کوتاهی نکرده است. مقام و منزلت حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) تا آنجا بالا می‌رود که هیچ‌گاه جبرئیل امین بر رسول خدا نازل نمی‌شد مگر آن که قبل از هر سخنی سلام خداوند را به خدیجه ابلاغ نماید.
ما تا حدودی نمونه این فداکاری را در همسر امام امت نیز می‌یابیم و از این طریق به همان ارتباط تکوینی و واقعی پی می‌بریم و بر تاثیر الهی نام خدیجه در ارتباط با فداکاری، صبر و سکن بودن آن بانو، نسبت به امام امت فرزند همان رسول‌الله شاهد هستیم.

همیشه با اطمینان رفتار می‌کرد؛ گفت وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروی
خانم همیشه صبور و خویشتندار بودند و با اطمینان رفتار می‌کردند. ایشان فردی بودند که پدرش اهل مبارزه و همسرش نیز مبارز بودند و بارها به خانه ایشان یورش برده شد ولی ایشان همواره با اطمینان رفتار می‌کرد و در قبال این مسائل هیچ‌گاه دچار تزلزل نمی‌شد.
ایشان دختر آیت‌الله... ثقفی و همسر آیت‌الله... خمینی از مراجع تقلید بود، بنابراین وقتی که همسرش را دستگیر می‌کنند با آرامش و اطمینان برخورد می‌کند. ایشان در آن دوران شاهد هر نوع اتفاقی در عرصه مبارزه بود کشتار دسته جمعی مردم، حکومت نظامی، درگیری با شاه و حتی



هنگامی که امام (س) دستگیری می شد به گوش می رساندند که می خواهند امام (س) را اعدام کنند ولی ایشان همیشه با اطمینان برخورد می کرد و صبور بود.

استقامت کم نظیری داشتند؛ گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین امام جمارانی

در کورانها شخصیت و منش و تحمل و استقامت کم نظیر خانم ساخته شده به طوری که در کنار امام در مراحل مختلف مبارزات ایستادگی و مقاومت می کند و برای فرزندان و بستگان یک الگوی استقامت می شود.

مرحوم احمد آقا نقل می کرد که "وقتی نیمه شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به خانه امام هجوم برده و امام را دستگیر نمودند برادریم حاج آقا مصطفی بسیار بی تابی می کرد مادرم به او نهیب زد که مصطفی رشادت و شجاعت را از پدرت یاد بگیرد چرا اینقدر بی تابی می کنی و این موجب شد که حاج آقا مصطفی دیگر تحمل و خودداری کند" خانم ثقفی مصائب و مشکلات فراوان در زندگی دیده که هر کدام کافی بود انسان را به زانو در آورد لکن با کمال طمأنینه تحمل نموده و در رحلت آیت... مصطفی خمینی و یا ارتحال حضرت امام و یا در گذشت مرحوم حاج آقا احمد خمینی بجای آنکه ایشان بی قراری از خود نشان دهد دیگران را توصیه به صبر و تحمل و شکیبایی می نمود.

جایگاه قدس ایران در زندگی امام؛ برگرفته از گفته ها و خاطرات فرزندان امام راحل

امام علاقه و محبت وافری به همسرشان داشتند به طوری که از نظر امام همسرشان در یک طرف قرار داشت و بچه هایشان در طرف دیگر و این دوست داشتن با احترام خاصی همراه بود. یادم هست یک بار که خانم مسافرت رفته بودند آقا خیلی دلتنگی می کردند. وقتی ایشان اخم می کردند، ما به شوخی می گفتیم اگر خانم باشند آقا می خندند، وقتی نباشند آقا ناراحت هستند و اخم می کنند. خلاصه ما هر چه سر به سر آقا گذاشتیم اخم ایشان باز نشد. بالاخره من گفتم خوش به حال خانم که شما اینقدر دوستشان دارید و امام گفتند: "خوش به حال من که چنین همسری

دارم. فداکاری که خانم در زندگی کردند، هیچ کس نکرده است.
یک بار از امام پرسیدم: "شما چرا این قدر به خانم علاقه دارید؟" گفتند: "برای اینکه خیلی وفادار بوده، خیلی فداکار بوده. زجری که خانم کشیده، هیچ کس نکشیده." همیشه به خانم می گفتند: "از من راضی باش، من خیلی در حقت بدی کرده ام."

* * *

امام در همان اوایل ازدواج به خانم فرموده بودند: "من از تو می خواهم که واجبات را انجام دهی و سعی کنی محرمات را انجام ندهی، ولی در مورد عرفیات مسئله ای نیست و آزاد هستی."
امام در زندگی هیچ گونه سخت گیری نمی کردند و خانم در رفت و آمدها و لباس پوشیدن آزاد بودند، اما مقید بودند که معصیت نکنند.^۹

آقا کم نصیحت می کردند؛ پای صحبت ها و خاطرات یار آفتاب در گفت و گوی دختر با مادر
از نظر اخلاقی، صرف نظر از دیانت مثلاً نشنیدید که حضرت امام از شما با بچه ها بخواهند که مواظب رفتار یا گفتارشان باشید؟

تذکر می دادند که مواظب اخلاق و سیرت خود باشید. خودتان را نگیرید و تکبر نکنید. هیچ کدامشان حتی خود من که خانم امام هستم روی اعتبار احترام امام، تکبر ندارم. اصلاً یادمان نمی آید که این مسأله مطرح بوده باشد که، خانواده امام هستیم، یا دخترانم خودشان را بگیرند نه، اصلاً این طور نیست.

در مورد تذکرات اخلاقی و نکات تربیتی چه به خاطر دارید؟
نه، یادم نیست، کم نصیحت می کردند. از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشت یعنی می گفت از هفت سالگی نماز بخوان. می گفت اینها (بچه ها) را وارد به نماز کن تا وقتی ۹ ساله شدند عادت کرده باشند. من به ایشان می گفتم تربیت های دیگرشان با من، نمازشان با شما. شما بگو، من که می گویم گوش نمی کنند. خودشان مقید بودند و می پرسید، اما همین که می گفتند خواندم، قبول می کردند. کنجکاوی نمی کردند.

دو بال امام؛ گفت و گو با خانم صدیقه مصطفوی دختر ارشد حضرت امام (س)

خانم در مسائل خیلی صبور بودند و دو بال آقا محسوب می شدند.

خانم بعد از آمدن به تهران و سکنی گزیدن در جماران با توجه به خانواده اصیلی که داشتند به دنبال فرمایش امام مبنی بر اینکه وسایل زندگی ایشان در نجف به تهران بازگردانده شود، در شرایطی که می توانستند این امر را نپذیرند و از تهران وسایل زندگی خود را تهیه کنند، اما مطابق فرمایش امام دستور دادند وسایل زندگی در نجفشان برگردانده شود، و تا آخر عمر با همان وسایل ساده و معمولی زندگی کردند، و در این مورد شاید ایشان به دلیل زندگی خانواده پدری این سبک زندگی ساده را قبول نداشتند، اما به خاطر امام (س) آن را پذیرفتند. به نظر من هنر خانم این بود که با وجود این که این شیوه زندگی ایشان با زندگی قبل از ازدواجشان فرق داشت اما با درک شرایط این سبک زندگی را تا پایان عمرشان پذیرفتند. و احترام خانم به آقا و سخنانشان در حدی بود که این احترام بعد از فوت آقا نیز همواره حفظ شد.

حاج آقا که خیلی شما را دوست دارند؛ گفت و گو با خانم دکتر فریده مصطفوی دختر دوم حضرت امام (س)

آنچه از دوستان خانم مشخص می شد آن بود که معتقد بودند، آقا خیلی به خانم علاقمند است. یعنی هر وقت صحبت درباره آقا و خانم می شد یک صدا همه به خانم می گفتند: «حاج آقا که خیلی شما را دوست دارد» این مطلب بارها از آنها شنیده می شد و برداشت آنها از زندگی خانم چنین بود یا برداشت شوهران آنها از امام چنین بود که به آنها منتقل می شد، دقیقا نمی دانم ولی یک مطلب عمومی و برداشت مشترک میان همه بود.

حقیقتاً نیز چنین بود که امام خیلی به خانم علاقمند بودند. غیر از احترامی که نسبت به خانم رعایت می کردند، به خانم علاقمند بودند و ما آن را به خوبی درک می کردیم. آقا هم در گفتار و هم در رفتار نشان می دادند و ابراز می کردند که به خانم علاقمند هستند. نه فقط در حضور خانم این مسأله مطرح بود بلکه در غیاب خانم و وقتی خانم به تهران می رفتند، آقا اخم می کردند و

حرف نمی‌زدند از صبح روزی که بنا بود خانم از سفر برگردند، آقا خوشحال بودند و خندان و دائماً با صدای بلند به همه اعلام می‌کردند که بچه‌ها امروز خانم برمی‌گردند، خانه را آماده کنید، غذا حاضر باشد و مرتب در انتظار بازگشت خانم بودند.

... یعنی با آقا چه می‌کنند؟ گفت وگو با خانم دکتر زهرا مصطفوی دختر سوم حضرت امام خمینی(س) درباره مادر

زمانی که من وارد شدم امام را دستگیر کرده و برده بودند دیدم مادر دراز کشیده‌اند و دو لحاف روی ایشان انداخته‌اند آهسته لحاف را کنار زدم و گفتم: حالتان چطور است؟ گفتند: حالم بد نیست اما نمی‌دانم چرا تمام تنم تکان می‌خورد و بعد به من زیر لب گفتند: یعنی با آقا چه می‌کنند؟ آقا را کجا می‌برند؟ اینقدر این حرف مادر دردناک بود که هنوز هر زمان بیاد می‌آورم حال منقلب می‌شود. گفتم: شما الان استراحت کنید بعداً معلوم می‌شود.

امام نیم بیت یک شعر را در خواب به خانم گفت؛ گفت وگو با خانم دکتر فاطمه طباطبایی عروس حضرت امام خمینی(س)

خانم خودشان شعر می‌گفتند، ظاهراً اوایل که ازدواج کرده بودند، یکدفعه برای امام شعرشان را خوانده بودند و امام خیلی استقبال نکردند و خانم هم دیگر نخواندند. همین چند سال پیش من یک دفعه رفتم پیش ایشان، گفتند که سر شب شعری به ذهنم رسید، نیم بیتی گفتم و در نیم بیت دیگرش ماندم. خوابیدم، خوابم برد، امام را خواب دیدم، به امام گفتم این نیم بیت را گفتم، امام نیم بیتش را به من گفت و من هم نصف شب بلند شدم و نوشتم که این شعر را برای من خواندند.

من به اندازه‌ی مادرم خانم را دوست داشتم؛ گفت وگو با خانم عفت مرعشی همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

انسان هر چه از خانم تعریف کند از نظر اخلاقی، ویژگی‌های خوب و مردمداری کم گفته است.



یکی از ویژگی‌های خانم که بسیار من را جذب کرد، در مراسم درگذشت امام و حاج احمد آقا بود. حاج احمد آقا، برای خانم خیلی مهم بود و ایشان یک هفته پیش از فوت حاج احمد آقا ناراحت بودند و پس از فوت ایشان نیز بیشتر. اما با این حال وقتی سفره‌ای پهن می‌کردند امکان نداشت، خانم سر سفره ننشینند، حتی اگر میل هم به غذا نداشتند اما می‌خوردند، تا میهمانان نیز غذایشان را بخورند.

یکی دیگر از ویژگی‌های خانم، این بود که اگر کسی از ایشان می‌پرسید آبمیوه یا شیر می‌خورید برایتان بیاوریم، ایشان می‌گفتند: اگر می‌آورید برای همه بیاورید حال فرقی نمی‌کرد، پنجاه نفر در اتاق باشند یا صد نفر، وقتی به ایشان می‌گفتند: شما گریه کردید و ناراحت هستید یک لیوان آب برایتان بیاوریم، خانم می‌گفتند: یا برای همه بیاورید یا نه. ایشان یک خانم به تمام معنی بودند.

سفری که با شاگردی امام شروع شد؛ خاطرات خانم نفیسه اشراقی از نقش همسر امام(س) در زندگی ایشان

خانمی که در زمان طفولیت در یک خانواده متجدد و در کمال آرامش و رفاه زندگی می‌کرد با طلبه‌ای مبارز ازدواج کرد که او را به قم برد و زندگی خاصی هم نداشت و این نشان‌دهنده صبر خانم است که خود را با زندگی طلبگی امام (س) وفق داد. تربیت فرزندان زیر نظر خانم بود و شخصیت فرزندان همچون دایمی مصطفی و دایمی احمد نشان‌دهنده تربیت بالای آنهاست. آداب و رسوم خانم با نوه‌ها و بچه‌ها بسیار زیبا و دلنشین بود. البته در زندگی ما بویژه در زمان حیات آقا، همیشه دخترها در خانواده ارج و قرب زیادتری نسبت به پسرها داشتند. ایشان به هیچ‌وجه اهل غیبت نبود. پیش می‌آید که یک نوه دوست داشته باشد که با مادر بزرگش درباره آدم‌های مختلف حتی فامیل‌های همسرش صحبت کند اما ایشان اصلاً اجازه چنین کاری را به ما نمی‌داد و او همیشه از همه افراد تعریف می‌کرد.

خانم روشنفکری در زندگی امام حضور داشت؛ گفتاری از خانم زهرا اشراقی نوه حضرت امام رعایت آداب و نظم و ترتیب در نزد همسر حضرت امام بی نظیر است. حتی احساسی برخورد کردن امام در منزل با فرزندان معلول علتی به نام خانم بود و علاوه بر آن که خانم حضرت امام به لحاظ ظاهر جذاب بودند، اما به لحاظ شخصیتی لیاقت این را داشتند که به عنوان زنی کامل و بی نظیر اینطور کانون توجه و احترام امام را حل قرار گیرند. من یادم می آید که همسر حضرت امام در زمره بانوان کم نظیری قرار داشت که تا آخر حیات پر برکتشان رعایت آداب برخورد و صمیمیت در رفتار با اطرافیان و حتی غریبه‌ها را فراموش نکرد، خانم با وجود زندگی سخت و دشواری که داشتند، هیچگاه رعایت ادب و آداب را از یاد نبردند.

در رسای بانویی از جنس آفتاب؛ یادداشتی از خانم لیلی بروجردی نوه حضرت امام (س) خانم مطابق با اخبار و رویدادهای جهان بر آگاهی خود می افزودند، هر بار که خدمت ایشان می رسیدم از اوضاع سیاسی کشور، موضع گیری سیاستمداران، نکات ظریف و تحلیلی، در اموری مثل تصمیمات دولت‌ها، مجلس، قوه قضائیه، دادگاه‌ها و... می پرسیدند. کتاب‌های جدید چاپ را مطالعه می کردند.

خانم تنها زنی است که لایق امام بود؛ خاطرات خانم مهندس نعیمه اشراقی نوه حضرت امام (س) خانم نیز همانند آقا به دلیل علاقه و اصرار وافر خانمها برای دیدار با ایشان ملاقاتهای مردمی داشتند. من گهگاهی در لابلای سخنان دیدار کنندگان این جمله به گوشم می رسید: خانم تنها زنی است که لایق امام است.

او خانم بود؛ گفت و گو با دکتر محمود بروجردی

خانم در سال ۱۲۹۲ شمسی و ۱۳۳۳ قمری در تهران متولد شدند، پدر ایشان آیت‌ا... آقا میرزا محمد ثقفی که صاحب تفسیر روان جاوید هستند. پدر آقای ثقفی هم از نوابغ روزگار بودند، آقا



میرزا ابوالفضل کلاتر، که جزو مدرسین نخست مدرسه سپهسالار، همین مدرسه شهید مطهری بودند. ۴۲ ساله بودند که رحلت می‌کنند ایشان در آن مدرسه هم نماز می‌خواند و هم درس داشتند. پدر ایشان حاج میرزا ابوالقاسم کلاتر بودند، ایشان هم صاحب کتاب بوده‌اند، کتاب تقریرات شیخ انصاری. مادر خانم ثقفی هم از افراد بسیار سرشناس حکومت قاجار بودند، مادر بزرگ ایشان، که در اصطلاح خانوادگی به خانم مامانی مشهور بودند، از اشراف بودند. خانم ثقفی پیش مادر بزرگشان بزرگ شده‌اند. پدر و مادر ایشان در زمانی که تقریباً ۹ ساله بودند، به قم می‌روند و پنج سال در آنجا ماندگار می‌شوند. ایشان فرزند اول خانواده بودند.

عاشقانه پدرم را دوست داشت؛ گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید حسین خمینی فرزند ارشد شهید آیت‌الله سید مصطفی خمینی

خانم علاقه خیلی شدید و عاشقانه نسبت به مرحوم پدر ما داشتند، اضافه بر این که فرزند بود، در پدر ما خصوصیات، برجستگی‌ها و زیبایی‌هایی بود که آن روح زیبا پسند خانم، ایشان را می‌پسندید. علاوه بر پسری، این موجود برجسته استثنایی را دوست داشت. پدر ما هم خیلی به مادرش علاقه‌مند بود و شدیداً احترام می‌کرد، مواظب بود که مادرش در هیچ مسأله‌ای از ایشان مکدر نشود. خدا رحمتشان کند، انشاءالله خدا با اولیاء معصومین محشورشان کند. خانم به قدری به پدر ما علاقه‌مند بود که در ایران می‌گفت: آرزو دارم قبل از مرگ یکبار دیگر ایشان را ببینم و بمیرم با این که پسرش فوت شده بود باز امید داشت که ببیند.

شخصیتی که ناشناخته ماند و خواهد ماند؛ یادداشتی از سید محمد رضا خاتمی

روحیه خانم ثقفی در زمانی که امام در اوج اقتدار و محبوبیت و شهره جهانی بودند با زمانی که در گوشه غربت و تبعید نجف هیچ همدمی نداشتند و امید به هیچ آینده‌ای کورسو نمی‌زد تفاوت نکرد. چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ شخصیتی.

همان زن افتاده، مبادی آداب بود که قبلاً بود. همه می‌توانند شهادت بدهند که «قدرت»

کوچکترین اثری در روح او نداشت و سبب نشده بود تا ذره‌ای غرور و نخوت در او راه یابد. من بسیاری از کسان را دیده‌ام که به خاطر نسبتی دور با او چه افتخارها می‌کردند اما خانم ثقفی همان بود که بود. رفتار او با کارگران و خدمه‌ای که در آنجا کار می‌کردند هم مثال‌زدنی بود. مهربان و بی‌ادعا، قدرشناس و صمیمی. این خلق و رفتار نه از روی ظاهرسازی بلکه به خاطر تربیت و شخصیت فوق‌العاده‌ای بود که سال‌ها برای کسب آن تلاش کرده بود. شاید این روحیه بود که او را در برابر مرگ عزیزترین عزیزانش فرزندان، خواهران، برادران و بالاخره همسرش چنان مقاوم کرده بود که جز از همان‌ها که خداوند در قرآن کریم به «صابرین» تعبیر می‌کند بر نمی‌آید.

آنچه در پایان می‌توانم بگویم این است که: «خانم ثقفی شخصیت خودساخته، انتخاب‌گر و تاثیرگذاری بود که روح و جان خود را با علم و ایمان آراسته بود. به همان اندازه که از خورشید وجود امام بهره می‌گرفت در بینش و منش امام اثر می‌گذاشت.

دغدغه خانم حفظ حرمت امام بود؛ گفتاری از علی ثقفی درباره خواهر

اصولاً همسری با امام کاری خدائی است یک روز خدمت خانم رسیدم عرض کردم خواهر بزرگوار شما سرشار از خاطرات و اطلاعات مفیدی هستید که از هر نظر قابل توجه و الگوبرداری است اگر اجازه بفرمائید بعضی از خاطرات را بنده به مرور از شما پرسیده و یادداشت کنم نگاهی از سر سوز و متانت بر من انداخت و فرمود: «چه بگویم از سرگذشتی که جز سختی و صبر در آن نداشتم اگرچه بر تحمل آن افتخار می‌کنم». سپس فرمود: «خاطره می‌خواهید؟ همین دیشب بعد از نماز مغرب و عشا آقا نشسته بودند من هم آمدم کنار ایشان نشستم. دو خدمتکار خانه یکی برای ما چای آورد دیگری در گوشه اطاق مشغول جمع آوری بود. من به آقا گفتم: این کبری خانم (یا فاطمه خانم تردید از من است) زن خوبی است. آقا فرمودند: خانم مواظب باشید غیبت نشود. من گفتم: این کجایش غیبت است تعریف از ایشان است. فرمودند: نه اگر آن یکی گفته شما را شنیده باشد و برداشت این کند که پس من خوب نیستم این غیبت او است» ببینید زندگی با یک چنین انسان استثنائی که تا این حد مقید به آداب اسلامی است آیا جز برای یک زن استثنائی امکان پذیر است؟!!

نمی‌خواستیم امام را در غربت تنها بگذاریم؛ گفت وگو با مهدی ثقفی
خانم در همه مراحل نگرانی برای حال و آرامش آقا داشتند با اینکه در تابستان هوای نجف
خیلی گرم بود و آقا هم وقتی درسها تعطیل میشد به خانم می‌فرمودند که به تهران و قم بروند و
بستگان نزدیک را صله رحم کنند با این وجود خانم نمیخواستند آقا را تنها بگذارند و سفر را
کوتاه می‌کردند و یکبار یادم می‌آید که فرمودند خیلی از نزدیکان را این بار نمی‌توانم ببینم و باید
زود به نجف برگردم. ایشان مایل بودند امام را در غربت تنها نگذارند.

با خاطراتشان گریه می‌کردند و می‌خندیدند؛ یادداشتی از مهندس علی اشراقی نوه امام
اصولاً خانم اهل ذوق و هنر بود و به طبیعت خیلی علاقه‌مند. اوایل انقلاب یادم هست هر
هفته همراه خانم برای دیدن کاخ‌ها و موزه‌ها می‌رفتم و خانم خیلی با دقت همه چیز را نگاه
می‌کرد. چرا که توجه به هر چیزی، هر گاه به صورت توجه به یک راه برای رفتن به سوی حق
باشد، توجه به خداست و همه اینها علامت‌ها، و نشانه‌ها و فلش‌های حرکت به سوی خداوند متعال
است.

خانم، بانوی صبور و بزرگ ایران بود؛ گفت وگو با حجت الاسلام و المسلمین مرتضی اشراقی
نوه حضرت امام خمینی(س)

خانم خودش تحصیلات داشت، اهل شعر، اهل مشاعره، خوب این‌ها چیزهای خیلی مهمی
است برای همسر یک مرجع؛ نه یک همسر رهبر سیاسی.
خصوصیت دیگر اینکه اصلاً ظاهر ساز نبودند یعنی حالتی نبود که بیرونی، اندرونی دو نوع
پوشش باشد، همان فرشی که در اتاق خودشان بود، شاید جنس بهتر همان فرش در اتاق بیرونی آقا
بود و این‌ها را هم خانم مدیریت می‌کرد. سیستم چینش اتاق آقا و دفتر دست خانم بود. مثلاً
استکانی که قرار است برای مهمان‌های آقا چایی ببرند، شاید استکان‌های خوب برای بیرونی بود
که لوازم خوب مال مهمان است، یعنی مثل مردم متعارف بود. اصلاً ساده زیستی در زندگی ایشان

نهادینه شده بود، یک حالتی که نباید بگوییم ساده‌زیستی را بازی می‌کرد، ساده‌زیست بود نمایش ساده‌زیستی نداشت.

فرزند در آئینه توصیف مادر

مصطفی، آقا را خیلی دوست داشت و خیلی مطیع ایشان بود و به آقا احترام می‌کرد. او همیشه دوست داشت محبتش را به من و آقا و خواهر و برادرهایش نشان دهد. مثلاً خودش به بازار می‌رفت و برای من لباس می‌خرید و می‌آورد. آقا هم خیلی مصطفی را دوست داشتند و مثلاً به ما می‌گفتند، «ناهار نخورید تا مصطفی بیاید.» آقا به مصطفی احترام خاصی می‌گذاشتند و وقتی در ۳۰ سالگی او، متوجه شدند که مصطفی مجتهد است به او اجازه اجتهاد دادند.

... با احمد جان؛ خاطرات و گفته‌های همسر گرامی امام از حاج سید احمد خمینی

اولادهای من به تبعیت از آقا رفتارشان با من خیلی خوب بود و هست. البته آقا مصطفی بسیار مهربان و احترامشان به من فوق‌العاده بود، بعد از فوت ایشان این خصوصیت در احمدجان نمایان شد. البته تا هنگامی که امام زنده بودند، بسیار مهربان و محترمانه بود، گاهی اوقات به من می‌گفت: اگر کاری داری به آقا نگو و به من بگو تا برایتان انجام دهم که من فکر می‌کنم این ناشی از توجه و دقت زیاد ایشان به آقا بود، شاید خواسته‌ای یا تقاضایی که از ما می‌شود باعث ناراحتی آقا شود. چون می‌دانید بالاخره مردمی که با ما رفت و آمد می‌کنند بعضی‌ها دچار مشکل می‌شوند و یا نیازی دارند و یا گرفتاری دارند که توصیه احمدجان این بود که این امور را به من بگویید تا رفع کنم. ولی بعد از امام انگار تمام علاقه‌ای که به آقا و من داشت یکجا در من جمع شد، بسیار مهربان‌تر و متواضع‌تر و با توجه‌تر شد و ابراز علاقه شدیدی به من می‌کرد. هر روز به من سر می‌زد. پایش که درد می‌کرد و نمی‌توانست از پله‌ها بالا بیاید از پایین پله‌ها یا روی پله‌ها می‌نشست، احوالپرسی می‌کرد و با تاکید می‌گفت: «مادر کاری ندارید، هر چه شما بگویید تا آنجا که از دستم برآید انجام می‌دهم.»



نامه‌های منتشر نشده خانم به حاج سید احمد آقا

پسر عزیز و مهربانم

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت

یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم

ده روز دیگر بیشتر نمانده که باز غربت تازه‌تری پیدا کنیم و نمی‌دانیم به کجای دنیا باید برویم. تکلیف هر کسی پیدا است که می‌رود به وطن آبا و اجدادی خودش یا هر کجا را که بهتر بداند. ولی راجع به ما لازم به توضیح نیست که هیچ مملکتی ما را نمی‌پذیرد ولی هنوز امید به اینکه همین جا فعلاً بمانیم داریم تا بعداً چه پیش آید. فعلاً سبب شده است که من دست از سفری که زنده کننده روح و اعصاب بلکه ماده حیاتی دارد برای من، بردارم و به امیدش بنشینم. تاکنون موافقت نکرده‌اند اما از اظهار لطف و محبت شما که نسبت به آمدن من نموده بودید بسیار متشکر و سپاسگزارم زیرا جز پشتیبانی شما اولادها هیچ چیز دیگر نمی‌خواهم چون از صمیم قلب دوستان دارم بلکه تمام وجودم خلاصه شده در شماها. حال مزاجی همگی از پدر، برادر و سایرین خوب و سلامت. طلبه‌ها اعم از افغانی و ایرانی به فکر رفتن افتاده‌اند، منتظر روز موعود که اول هفتمین ماه خودشان است برای این که تموز که مطابق ژوئیه فرانسه و ۲۱ جمادی‌الثانی می‌شود ۴/۹ شمسی. سرنوشت اجانب نجف معلوم خواهد شد.

نامه‌های امام به خانم

تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم متذکر شما هستم و صورت زیبایی در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد می‌گذرد ولی به حمدالله تاکنون هر چه پیش آمد خوش بوده و الان در شهر زیبای بیروت هستم؛^۶ حقیقتاً جای شما خالی است فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسبد.

وصیت امام به فرزندان در رعایت حقوق مادر

وصیت مهم من به همه اولادهایم خصوص مصطفی آن است که با مادرشان سازگار و مهربان باشند و رضایت خاطر ایشان را به عمل آورند زیرا ایشان به همه ماها حقوق فراوان دارند و ادای آن برای من میسر نشده است؛ فرزندان من باید به اطاعت و جلب رضایت ایشان خدای تعالی را راضی کنند و بدانند رضایت من از آنها منوط به رضایت مادرشان است و نیز خود فرزندان من باید با یکدیگر مهربان و گرم باشند و آنها مطیع برادر بزرگ خود و ایشان مهربان با آنها باشد.

پیام تسلیت مقام معظم رهبری به مناسبت ارتحال همسر رهبر کبیر انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت بانوی مکرم، همسر گرامی رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (رحمة الله علیهما) را به ملت ایران و همه ارادتمندان آن امام عزیز و به آن بیت رفیع و فرزندان و فرزندانزادگان بالخصوص حجت الاسلام آقای سید حسن خمینی و اخوان محترم و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت می گویم. آن مرحومه که خود بازمانده دودمان علمی نامداری بود، سالیان متمادی یار و همراه امام بزرگوار، و مایه آرامش ایشان در همه مراحل دشوار آن جهاد مستمر و بزرگ بود و با صبر و عزم و توکل زندگی پرافتخاری را گذراند. رحمت خدا بر او و بر امام راحل باد.

سیدعلی خامنه‌ای



Jamaran.ir

Photo: Kh.Malimir

پیام تسلیت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

سرانجام پس از عمری صبر و استقامت و ماه‌ها بیماری، همسر گرامی و محترمه امام خمینی (سلام الله علیه) به جوار رحمت خداوند سبحان شتافت و دوستان ارادان امام عظیم الشان را داغدار نمود. ناگفته پیداست که همسری و همراهی با رهبر کبیر انقلاب، اگر سعادت و افتخار را نصیب وی ساخته بود، سختی غربت، تبعید، شهادت فرزند، رنج مبارزه و هجران امام و یادگار امام (رحمة الله علیهما) را نیز به همراه داشته است. بی شک تحمل کم نظیر، واقع بینی ستودنی و ایمان به خدای متعال در کنار روح و روان آرام و ضمیر مطمئن، جلوه‌هایی مثال زدنی در وجود مادر انقلاب اسلامی یافته بود.

علاقه وافر امام به ایشان که در جای جای وصیت‌های حضرت امام مشهود است و احترام و تکریم بی نظیر بی نظیر امام نسبت به همسر خویش نشانه‌های کوچکی است که این بزرگی و وقار را به اثبات می‌رساند.

زندگی همسر گرامی امام در همه دورانهای عمر به گونه‌ای رقم خورده بود که همگان را به اذعان به کرامت و بزرگی وی وامی‌داشت. بدون تردید موفقیت نهضت اسلامی و استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی مرهون فداکاری همه ملت ایران به ویژه کسانی است که در حلقه نزدیکان امام حضور داشتند و در این میان هرگز نمی‌توان از نقش همسر محترمه امام غفلت ورزید. در سرتاسر دوران مبارزه و تبعید و غربت و هجرت، و در کشاکش رنجهای پدید آمده از ناحیه مغرضان و متحجران و مخالفان نهضت، و در طوفان حوادث سهمگین پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دشواری‌های دوران دفاع مقدس، این مادر نمونه انقلاب اسلامی با بزرگ‌منشی و مناعت طبع موروثی، و شرح صدر و مهربانی و بردباری مثال زدنی خویش آنچنان فضایی سرشار از آرامش و امنیت خاطر در محیط بیت امام پدید آورده بود که تحمل سختی‌ها و مرارت‌ها را بر امام و فرزندان امام ممکن می‌ساخت.

بدون تردید تجلیل از این بانوی بزرگ تجلیل از امام راحل ماست. خداوند ایشان را مشمول غفران واسعه خویش قرار دهد و به همه ما در عزای ایشان صواب صابران و مصیبت زدگان عطا فرماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها:

۱. صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۳۰۱.
۲. همان؛ ج ۷، ص ۳۴۱.
۳. همان.
۴. همان؛ ج ۶، ص ۳۰۰.
۵. همان؛ ج ۱۶، ص ۱۹۲.
۶. فریده مصطفوی؛ برداشت‌ها؛ ج ۱، ص ۷۱.
۷. برای عزیمت با کشتی به عربستان برای انجام اعمال حج.

